



توسعه تعاونیهای نوین در نیال

پرفسور هانس موتکر و دکتر ماهاندرپراساد شرستا

۱- پیشگفتار

مردم نیال در زمینه تعاونگری از سابقه‌ای طولانی برخوردارند و به‌صورت گوناگون در روستاها، در قالب گروه‌های غیررسمی و با کمک‌های مشارکتی و پس‌انداز در گردش و شرکت‌های اعتباری فعالیت می‌کنند.

کشاورزی تکیه‌گاه اصلی اقتصاد در نیال است که منبع و وسیله معاش ۸۰ تا ۹۰ درصد جمعیت، ۵۲ درصد تولید ناخالص ملی و سهم عمده درآمدهای صادراتی را تأمین می‌کند. از این رو طبیعی است که اکثر تعاونیها در نیال با کشاورزی و زراعت و محصولات کشاورزی ارتباط دارند.

کشاورزی معیشتی همچنان در سطح گسترده انجام می‌شود در عین حال زمین کشاورزی به صورت نامساوی تقسیم می‌شود. میانگین مساحت زمین قابل بهره‌برداری، کمی بیش از یک هکتار است. کشاورزان خرده‌پا یا در حد متوسط، اکثریت تعداد کشاورزان را تشکیل می‌دهند و در مساحتی حدود ۰/۲۸ تا ۱/۰۲ هکتار زراعت می‌کنند. سرشماری کشاورزی ۱۹۹۱/۹۲ در این کشور نشان می‌دهد که نزدیک به ۷۰ درصد کل زمینهای تحت تملک، کمتر از یک هکتار است که حدود ۲۱ درصد کل منطقه زراعی را تشکیل می‌دهد. به همین ترتیب، ۵ درصد از زمین‌داران

بزرگ حدود ۴۰ درصد زمینهای زراعی را در دست دارند در حالی که ۶۰ درصد باقی مانده کشاورزان تنها حدود ۲۰ درصد زمین در اختیار دارند. طبق برآورد انجام شده ۱۰/۳۰ درصد زارعین فاقد زمین هستند و زمینهای مناطق حاره با ۱۸/۲ درصد، بیشترین مساحت اراضی مزروعی و پس از آن مناطق کوهستانی و تپه‌هاورها به ترتیب ۲/۷ و ۲/۲ درصد را تشکیل می‌دهند. هر چند طبق ارزیابی دیگری که بر اساس خانوارهای روستایی به نسبت زمینهای کشاورزی انجام شده، ۱۹/۰۱ درصد از این افراد فاقد زمین هستند و ۲۵ درصد در مناطق حاره، ۱۱/۲ درصد

در کوهستانها و ۷/۲ درصد در تپه ماهورها زندگی می‌کنند. بدین روی، محدودیت زمین‌های مفید مزورعی موجب اهمیت یافتن فعالیت‌های غیر کشاورزی شده است.

این کشور از نظر منابع آبی بسیار غنی است، اما کشاورزی اساساً به بارانهای موسمی وابسته است و تنها ۲۵ درصد کل زمین‌های مستعد زراعت تحت پوشش آبیاری قرار می‌گیرند. به هر ترتیب مشکلات اصلی کشاورزان که در نپال با آن روبرو بوده و احتمالاً از طریق تعاونی قابل حل می‌باشند، عبارتند از:

● تدارک ضعیف و کمبود مداوم نهاده‌های کشاورزی.

● تأمین غیر قابل اتکا و ناکافی آب

● خدمات نامنظم و توزیع بسیار ضعیف آن

● نبود ضمانت برای فروش محصولات کشاورزی از نظر بازار و قیمت مناسب و ارائه حداقل نرخهای حمایتی به صورت غیر قابل پیش بینی و نامعقول

● عدم وجود خدمات بیمه‌ای برای احشام و محصولات کشاورزی

گذشته از این موارد، تعاونیها مناسب‌ترین تشکل کشاورزان و دامپروران برای یک کاسه کردن منابع، تقاضاها و محصولات آنان بوده و حافظ منافع آنان در مقابل دولت و شرکتهای تجاری است.

۲- درآمدی بر تعاونیهای نوین

تعاونیهای نوین در سال ۱۹۵۴ در نپال آغاز به کار کردند. در همین زمان «سازمان تعاون» (DOC)^(۱) برای پیشبرد و کمک به توسعه تعاونیها در وزارت کشاورزی تشکیل شد.

اولین تعاونیهای نپال در شکل شرکتهای

تعاونی اعتباری با مسئولیت نامحدود به عنوان بخشی از برنامه کمک و اسکان سیل زدگان در ناحیه چیتوان ایجاد شد. این تعاونیها به دستور مدیریت عالی اجرایی «HMG» به طور موقت ثبت شدند و پس از تصویب اولین قانون شرکتهای تعاونی و سال ۱۹۵۹ به رسمیت شناخته شدند.

تاریخ تعاونیهای نپال با ابتکارهای دولتی برای استفاده از تعاونیها به عنوان بخشی از برنامه‌های توسعه‌ای دولت عجین شده است. از این رو، توسعه تعاونیها در هشت مرحله موسوم به طرح هشت ساله توضیح داده می‌شود.

۳- توسعه تعاونیها براساس سال اجرای طرح

برنامه پنجاه اول (۱/۱۹۶۰- ۱۹۵۶/۷)

در این دوره، دولت برنامه دشوار و پرفاقت و خیزی را برای تشکیل ۲۵۰۰ تعاونی کشاورزی چند منظوره آغاز نمود. در واقع تنها ۲۷۸ تعاونی تشکیل شد، دست آورد مهم طی این دوره، گنجاندن برنامه توسعه تعاون در برنامه توسعه عمومی روستا بود.

در سالهای ۱۹۶۱/۶۲، کشور نپال فاقد یک برنامه منسجم بود با آن حال، در حوزه فعالیت تعاونیها، ۲۰۲ شرکت جدید تأسیس شد. طی سالهای بعدی، سیستم فعالی در دولت برای توسعه تعاونیها ایجاد شد و

بدین ترتیب «قوانین شرکتهای تعاونی» در سال ۱۹۶۱ تدوین شد، «مرکز آموزش تعاون» در چارچوب منشور سازمان تعاون نپال ایجاد شد به گونه‌ای که تعداد تعاونیها در پایان این دوره به ۵۸۱ واحد رسید.

برنامه سه ساله دوم (۱۹۶۴/۱۹۶۵) ۱۹۶۲/۱۹۶۳

«قانون اصلاح اراضی» در سال ۱۹۶۳ تصویب گردید و با اجرای برنامه پس انداز اجباری، کشاورزان و دامداران مجبور به پس انداز بخشی از محصولات خود شدند. برنامه تعاون نیز به برنامه اصلاح اراضی الحاق شد. تعداد ۵۴۲ شرکت طی این دوره ایجاد شدند. «شرکت سهامی پس انداز اصلاح اراضی» برای اجرای پس انداز اجباری و اعطای وامهای عمده به کشاورزان و دامداران در سال ۱۹۶۷ تأسیس شد. این موضوع به رشد سریع تعداد شرکتهای تعاونی انجامید که دو سوم آنها به تدریج از رده خارج شدند. همچنین یک بانک تعاون به موجب قانون در سال ۱۹۶۲ و به منظور تأمین بودجه بازسازی کشاورزی و ارائه تسهیلات اعتباری به تولیدات گوناگون در مقیاس کوچک، رونق بازاریابی در قالب تعاونی ایجاد شد. این بانک در سال ۱۹۶۸ به «بانک توسعه کشاورزی نپال» (ADB/N) تبدیل شد تا نیازهای همگانی اعتبار کشاورزی را تأمین نموده و همچنین اعتبار لازم را به تعاونیها و کشاورزان و دامداران خصوصی اعطا نماید.

برنامه پنجاه سوم (۱۹۶۹/۱۹۷۰) ۱۹۶۵/۶۶

تعداد تعاونیها طی این دوره به ۱۴۸۹ واحد در ۵۶ ناحیه از تعداد کل ۷۵ ناحیه رسید. بسیاری از این تعاونیها با شتاب و بدون در نظر گرفتن امکانات اقتصادی و کارآیی اجتماعی شکل گرفتند. در پایان برنامه سوم، اکثر این تعاونیها از رده خارج شدند. در پی این دوره «کمیته بررسی

وضعیت تعاونیها» به ارزیابی کارایی تعاونیهای موجود پرداخت و در گزارش خود، تعاونیها را به صورت زیر درجه بندی نمود:

■ ۱۷٪ خوب (درجه الف)

■ ۱۸٪ مستعد توسعه (درجه ب)

■ ۶۵٪ ضعیف (درجه ج)

در گزارش این کمیته آمده بود که سیستم تعاونی در اجرای انتظارات پیش بینی و ترسیم شده، شکست خورده است! اکثر این تعاونیها در بسیج مشارکت مطلوب اعضا و گشودن چشم اندازهای جدید تجاری ناکام ماندهاند.

برنامه پنجمساله چهارم (۱۹۷۴/۷۵) - ۱۹۷۰/۷۱

طی این دوره برنامه کلان بازسازی که از سال ۱۹۶۹ آغاز شده بود، همچنان پیگیری شد و بیش از کمیته به کیفیت تعاونیها تأکید شد. در این برنامه اولویت به ۲۸ منطقه با بیشترین لزوم اجرای «طرح توسعه متمرکز کشاورزی» داده شد. «برنامه تعاونیهای هدایت شده» که بعدها به «برنامه تقویت تعاونیها» تغییر نام داد، بر ضرورت بازدهی و کارایی تجاری تأکید نمود (هر چند کارایی اجتماعی مد نظر گرفته نشده بود). تعداد تعاونی ادغام یا منحل شد، از این رو در پایان روند این طرح، تنها ۲۵۰ شرکت تعاونی باقی مانده بودند و مدیریت تعاونیها نیز به «بانک توسعه کشاورزی نپال» سپرده شده بود.

این بانک بالغ بر ۱۱۰ میلیون روپیه وام پرداخت نمود. اما کشاورزان و دامداران خردهپا تنها ۲۲ درصد این وامها را به دست آوردند، در حالی که ۶۸ درصد وام بانک در اختیار کشاورزان و دامداران عمده یا متوسط قرار گرفت. در نتیجه این اقدامات،

کسب و کار تعاونیها رونق گرفت، اما نسبت اعطای وام به ۴۹/۲ درصد (از ۹۰/۳ درصد برنامه اول و ۷۲/۴ درصد برنامه سوم) تقلیل یافت.

برنامه پنجمساله پنجم (۱۹۷۹/۸۰) - ۱۹۷۵/۷۶

در برنامه پنجمساله نپال «برنامه گسترش تعاون»، «برنامه ساجا» راه اندازی شد. این برنامه اساساً با هدف اداره ۱۱۶۳ تعاونی در ۱۸۲۷ روستای «پانچایاتها» از ۳۰ منطقه مختلف با حدود ۸۰۸۰۰۰ نفر عضو (اکنون ۴/۴ میلیون نفر) به مورد اجرا گذارده شد.

در این برنامه، تعاونیهای هدایت شده و کمیتههای روستایی به شرکتهای ساجا تبدیل شدند و تعاونیها برای پوشش دادن به تقریباً تمامی روستاها تشکیل شدند.

پس انداز اجباری که به موجب برنامه اصلاح اراضی انجام می شد به سهام شرکتهای تعاونی تغییر کرد. بدین ترتیب افراد بر خلاف میل خود، عضو تعاونیها شدند.

طی برنامه ساجا، سیاستمداران محلی با شکل دادن به اعضای که به اعتبار مقام خود هیأت مدیران تعاونیها را تشکیل می دادند، در واقع اعضا عادی را از شرکت «خود» بیگانه کردند.

ظرف مدت یک سال، تعداد تعاونیها از ۲۹۳ به ۱۰۵۳ واحد و تعداد اعضا از ۹۳۰۰۰ به ۸۰۲۰۰۰ نفر افزایش یافت. بسیاری از این تعاونیها پس از گذشت مدتی غیر فعال شده و تعداد آنها تا ۴۰ درصد کاهش یافت.

اهداف اصلی شرکتهای ساجا، افزایش تولید و درآمد کشاورزان و دامداران از طریق سیستمهای پیشرفته کشاورزی و

دامداری، وامهای سازمانی (جزء به جزء کردن تعاونیها به گروههای کوچک در سطح روستا)، تأمین مواد اولیه، پس انداز و بازاریابی بود.

در سال ۱۹۷۸، مدیریت شرکتهای تعاونی از حوزه فعالیت بانک توسعه کشاورزی نپال خارج و به کمیتههای مدیریتی زیربط سپرده شد. اما افراد دست اندر کار آن گونه که باید و شاید در جریان تصمیمات قرار نگرفتند. علاوه بر این آنان آمادگی انتقال را نیز نداشتند. همین امر، شرکتهای ساجارابه سوی اضمحلال می کشید.

برنامه پنجمساله ششم (۱۹۸۴/۸۵) - ۱۹۸۰/۸۱

در سال ۱۹۸۱، «برنامه متمرکز ساجا» با تمرکز و مسئولیت پذیری بیشتر به نیازها و مشکلات کشاورزان و دامداران خرده پا به مورد اجرا گذارده شد. این برنامه در ۲۰ منطقه تری (۲) آغاز شد.

نمایندگانی که به اعتبار مقام خود در هیأت مدیران شرکتهای تعاونی حضور داشتند، با انجام انتخابات جدید جایگزین بعضی از نفرت قبلی شدند.

خط مشی اصلی برنامه ششم توسعه در نپال عبارت بود از:

(الف) تأکید بیشتر بر کارایی تعاونیها نسبت به رشد عددی آنها،
(ب) تمرکز بر مناطقی که برنامههای توسعه یکپارچه روستایی در آنها اجرا می شود، تشکیل تعاونیها، تنها پس از انجام مطالعه امکانات و کارایی،

(ج) توجه اساسی به علائق کشاورزان و دامداران خرده پا.

برنامه پنجاه ساله هفتم (۱۹۸۹/۹۰ -

۱۹۸۵/۸۶)

طی این برنامه برای شکل‌گیری مجدد نهضت تعاون تلاش بسیار شد. هدف بسط خدمات تعاونی در بین مردم از طریق ایجاد مراکز خدماتی تازه تأسیس بود. تعاونیهای موجود در مراکز خدماتی فاقد تعاونی قرار گرفتند. تعداد ۱۲۴ شرکت جدید، عمدتاً در مناطق دور افتاده کشور ایجاد شد. در پایان این برنامه:

- ۸۲۰ تعاونی کشاورزی در ۷۲ منطقه
 - ۲۳ اتحادیه منطقه‌ای
 - ۵۴ تعاونی غیر کشاورزی
- وجود داشت.

طی برنامه هفتم، برنامه‌های تعدیل ساختاری اعلام شد و تعاونیها حق انحصاری خود را برای تجارت انواع کوداز دست دادند.

۴- احیاء تعاونیها پس از

سال ۱۹۹۰

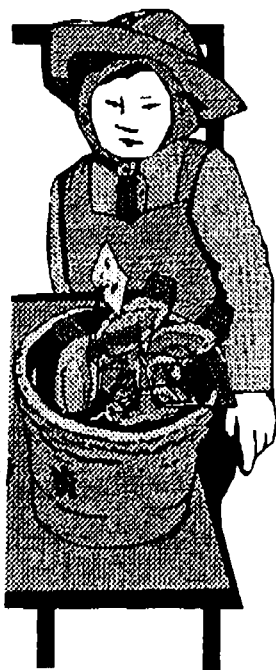
با بازگشت دمکراسی در سال ۱۹۹۰ و اجرای «برنامه هشتم» (۱۹۹۷ - ۱۹۹۲) تلاش بسیاری برای احیاء تعاونیهای موجود شد.

«کمیتة مشاوره فدراسیون ملی تعاون» تعیین گردید و نخستین گزارش خود را در سال ۱۹۹۱ تسلیم نمود.

طی همان سال، «هیأت توسعه تعاون ملی» تشکیل شد و در سال ۱۹۹۲، قانون جدید شرکتهای تعاونی با به رسمیت شناختن شخصیت دمکراتیک و استقلال عملکرد تعاونیها، رسماً منتشر شد.

۴-۱- هیأت توسعه ملی تعاون (NCDB) (۳)

این هیأت با قدرت هر چه تمامتر به موجب قانون «NCDB» سال ۱۹۹۲ و با



حضور نمایندگانی از وزارتخانه‌های مختلف و افراد مجرب و مطلع از نهضت تعاون و منتخب از سوی IMG تشکیل شد. ریاست هیأت بر عهده وزیر کشاورزی است. مسئولیتهای هیأت توسعه ملی تعاون، مشتمل بر موارد زیر است:

(الف) بررسی و اجرای راهکارها و قوانین جدید مربوط به نهضت تعاون، (ب) ایجاد ساختارهای سازمانی نهضت تعاون از روستا به سطح ملی،

(ج) هماهنگ کردن فعالیتهای تعاونیها.

۴-۲- ویژگیهای برجسته قانون

شرکتهای تعاونی ۱۹۹۲

ویژگیهای برجسته قانون مصوب ۱۹۹۲:

- در مقدمه قانون مذکور آمده است که اتحادیه‌ها و شرکتهای تعاونی می‌بایست با هدف توسعه اقتصادی - اجتماعی، کشاورزان، صنعتگران، افراد فاقد سرمایه کافی و گروههای کم درآمد، کارگران، افراد بیکار و فاقد زمین، مددکاران اجتماعی و یا مشتریان عام بر مبنای همکاری متقابل و اصول تعاون، تشکیل شوند. به علاوه در

ماده ۲ بند یک قانون گفته شده است:

«یک شرکت یا اتحادیه تعاونی می‌بایست طبق اصول تعاون و با هدف ارائه خدمات و امکانات برای توسعه اقتصادی - اجتماعی اعضاء تشکیل گردد.» همزمان با اعطای حق خودگردانی به شرکتهای تعاونی که پس از ثبت آنها حاصل می‌شود، محدودیتهایی نیز در مورد آنها اعمال می‌گردد.

برای تشکیل «تعاونیهای سنتی» حداقل ۲۵ نفر می‌بایست تقاضای ثبت نمایند. این رقم از لازمه استاندارد بین المللی تشکیل تعاونی که بین ۷ تا ۱۰ متقاضی است فراتر می‌رود و برای صنعتگران و دیگر جزیی که بر مبنای اصول تعاون و با هدف ساماندهی فعالیتهای مشترک خویش از یک ساختار زمانی تعاونی بهره می‌برند، مشکلاتی را پدید می‌آورد. (ماده ۲ بند یک قسمت الف) و در خصوص تعاونیهای ثانویه (یا اتحادیه‌ها)، اتحادیه‌های یک منظوره با مشارکت حداقل پنج شرکت تعاونی سنتی تشکیل شده و اتحادیه‌های چند منظوره منطقه‌ای به پنج تعاونی اولیه (سنتی) و یا اتحادیه یک منظوره به عنوان اعضاء مؤسس نیاز می‌باشد، (ماده ۲ بند یک قسمتهای ب و ج)

تشکیل اتحادیه یک منظوره مرکزی (ملی) به حداقل ۵ اتحادیه یک منظوره و یا ۲۵ تعاونی سنتی یک منظوره، نیاز می‌باشد، (ماده ۲ بند یک قسمت «د»)، و در زمینه تشکیل «اتحادیه ملی تعاونیها» حداقل ۱۵ اتحادیه می‌بایست اعلام آمادگی نمایند. طبق یک ماده ویژه (ماده ۳ بند ۲) تأسیس و راه اندازی بیش از یک اتحادیه تعاونی یک منظوره با ماهیت مشابه و نیز بیش از یک اتحادیه مرکزی با ماهیت مشابه، مجاز نمی‌باشد.

این دسته بندی پیچیده نحوه تشکیل اتحادیه‌های تعاونی حقوق تعاونیها را در ارتباط با تعیین ساختارهای فدرال برای خویش محدود می‌نماید، در زمینه حقوق شهروندی مندرج در قانون اساسی و نیز آزادی مشارکت که در دیگر کشورها در قالب تنها یک جمله با این مضمون «تعاونیها از حق اتحاد و هم پیمانی برخوردار هستند»، در تعارض است.

«اتحادیه ملی تعاون»^(۳) در سال ۱۹۹۲، تأسیس گردید. دیگر اتحادیه‌های مرکزی (یک منظوره) در رشته اعتبار و پس انداز، مصرف و فرآورده‌های لبنی، تشکیل شدند. در قانون مصوب ۱۹۹۲، به تعاونیها در خصوص تأمین (جمع آوری) سرمایه از طریق فروش مازاد سهام نه تنها به اعضا و اشخاص واحد شرایط عضویت، بلکه به دیگر نمایندگیهای مذکور در ماده ۲۲ بند (۱)، اختیارات لازم اعطاء گردیده است.

این ماده، مسیرهای همواری را فرآوری سرمایه‌گذاران هوادار تعاونیها قرار می‌دهد تا «سرمایه‌گذاران خوشفکر» بتوانند در این گونه مؤسسات سرمایه‌گذاری کرده و محدودیت (۲۰٪ سهام سرمایه‌گذاری) را جهت اجتناب از نفوذ نامشروع این قبیل سرمایه‌گذاران در بافت مدیریتی شرکت تعاونی، اعمال نماید. لیکن در نص صریح واژه‌ها، این ماده در حقیقت، انحراف از اصول ناب تعاون، تلقی می‌گردد.

اساساً در این قانون، اختیارات مؤسسه نت شرکت‌های تعاونی، جداً کاهش یافته است. به موجب این قانون جدید، تعاونیها در خصوص عوامل اجرایی، اخذ تصمیمات در رید مدیریت و نیز انتصاب حسابرسان (مهم‌ترین حسابداری) از استقلال کامل برخوردارند.

معدک در ارتباط با حصول اطمینان از انطباق یا عدم انطباق آیین‌نامه‌های ارائه شده از سوی متقاضیان با اصول تعاون (ماده ۵ بند ۱) و نیز به ثبت رساندن شرکت‌های تعاونی ادغام یا تقسیم شده (ماده ۲۱ بند ۲)، همچنان مؤسسه ثبت شرکت‌های تعاونی جدید، تصمیمات لازم را اتخاذ می‌کند. متقاضیان مکلفند، همراه با نقضای ثبتی خویش یک طرح تولیدی را منضم به اظهار نامه تعداد سهام، ارائه نمایند، اما در ارتباط با به‌باز تأثیر و اهمیت این مدارک نسبت به ثبت یا عدم ثبت شرکت توسط مؤسسه مذکور، قانون سکوت اختیار کرده است.

مؤسسه ثبت شرکت‌ها، حاذب دخالت در امر انتخابات هیأت مدیره نمی‌باشد، مگر حسب تقاضای یکی از اعضا تعاونی (ماده ۱۶ بند ۵). لیکن دخالت مؤسسه ثبت شرکت‌ها، جنبه کاملاً عام ندارد. (ماده ۱۶ بند ۶). بلکه مستلزم اطلاع از بی‌نظمی و بی‌خلاقیتی است که به نحوی از سوی اعضا، به مؤسسه اطلاع داده می‌شود.

دیگر اختیارات مؤسسه ثبت به شرح ذیل است:

○ تعیین و تشخیص صحت اطلاعاتی که تعاونی ثبت شده می‌بایست به (DOC) ارسال می‌کند (ماده ۲۴) و نیز قید عبارت «عدم شکایت یا اعتراض» (ماده ۲۲) بر روی مدارک الزامی است؛

○ انجام تحقیقات در زمینه و اموری که مربوط به یک تعاونی ثبت شده است. اعم از این که بر اساس خواست و تقاضای اعضایی که نمی‌بایست کمتر از ۵٪ کل اعضا باشند (ماده ۲۵ بند ۱)؛

○ انجام بازرسی از یک تعاونی یا اتحادیه (ماده ۲۶) و ارائه پیشنهاداتی برای

اصلاح امور و بهبود شرایط کاری، اما بدون حق دخالت مستقیم و صدور دستور؛

○ تصویب احکام حسابرسی که از سوی تعاونیها یا اتحادیه‌ها جهت حسابرسی امور مالی و حسابداری آنها منصوب شده‌اند (ماده ۲۷ بند ۱)؛

○ جمع‌آوری دیون معوقه متعلق به تعاونیها و اتحادیه‌ها، حسب درخواست آنها (ماده ۳۹).

○ لغو احکام ثبتی تعاونیهای منحل شده حسب تقاضا (ماده ۴۱ بند ۲) و یا طبق میل و اراده خویش (مؤسسه) به موجب شرایط پیش بینی شده در قانون، (ماده ۴۱ بند ۳)

○ اما این قانون در خصوص این که چه کسی و چگونه می‌بایست به ثبت و ضبط مسائل مالی و انعکاس سایر امور شرکت‌های تعاونی و اتحادیه‌ها، بپردازد، سکوت اختیار کرده است (ماده ۳۲)

۳-۴ تقویت کمی تعاونیها:

رشد کمی یعنی آمار مربوط به سالهای ۹۵ و ۹۶ میلادی که به‌صورت تعاون در نپال را به لحاظ عددی (کمی) به تصویر می‌کشند، به شرح ذیل است:

تعداد	نوع تعاونی
-	الف: تعاونیهای سنتی
۱/۶۴۲	- کشاورزی چند منظوره
۲۵۸	- مصرف
۶۶۱	- فرآورده‌های لبنی
۳۴۳	- اعتبار و پس انداز
۲۴۸	- دیگر
۳/۱۳۲	جمع
-	ب: تعاونیهای بعدی (اتحادیه‌ها)
۴۹	- اتحادیه‌های ملی (یک منظوره)
۴	- اتحادیه‌های محلی (مصرف)

۷	- اتحادیه‌های محلی فرآورده‌های لبنی
۹	- اتحادیه‌های محلی اعتبار و پس‌انداز
۳	- اتحادیه‌های محلی دیگر
۷۲	مجموع
-	ج: تعاونیهای ملی
۱	- اتحادیه ملی تعاون
۱	- مصرف
۱	- فرآورده‌ها لبنی
۱	- اعتبار و پس‌انداز
۴	مجموع

تعداد کل اعضای تعاونیها در نپال طی سالهای ۱۹۹۵/۹۶ حدود ۱۰/۵ میلیون نفر بود که با مقدار سرمایه ۲۰۴/۴۶ میلیون روپیه RS فعالیت داشتند.

۵- نقش تعاونیها:

تعاونیهای چند منظوره کشاورزی به لحاظ کمی بزرگترین نوع تعاونیهاست. فعالیت اصلی این گونه تعاونیها عبارت است از: تأمین مواد اولیه، پرداخت وامهای تولید و وامهای مربوط به مقاصد خاص و فروش اقلام فرآورده‌های لبنی مصرفی، که در واقع یکی از مهمترین فعالیتها در مناطق کوهستانی یعنی مناطقی است که این قبیل مواد در آن با کمبود محسوس روپرو هستند.

تعاونیهای کشاورزی دارای ۳۵۲ انبار با مجموع ظرفیت ذخیره کالا به میزان ۵۴/۶۹۴ میلیون تن می‌باشند. لیکن میزان بهره‌برداری از همین ظرفیت هم پایین است. امر بازاریابی امری نسبتاً جدید محسوب می‌شود، اما افزایش فعالیت با توجه به مازاد تولید (تولید انبوه) متحصراً در منطقه «تربیا» به چشم می‌آید. اجناس و کالاهای عمده که توسط تعاونیهای کشاورزی به «انستیتو تغذیه نپال» و یا در بازار آزاد به

فروش می‌رسد، محصولات از جمله، شلتوک، گندم، ذرت و دانه‌های روغنی را در بر می‌گیرد. معذالک، تعاونیها غلات و حبوبات مورد نیاز اعضا را به ویژه در ایامی که کمبود این گونه اقلام در بازار احساس می‌شود خریده و به آنها تحویل می‌دهند.

تازه‌ترین اقدام که دورنمای بسیار مهمی را برای آینده تعاونیها در نپال ترسیم می‌کند، ایجاد صنایع تبدیلی محصولات کشاورزی من جمله انواع شلتوک و دانه‌های روغنی است. در همین زمینه، بیست تعاونی منطقه‌ای، طرحهای کوچک ولی شمر بخشی از صنایع تبدیلی و فرآورده‌های کشاورزی را در دست اجرا دارند. اما میزان موفقیت آنها بستگی به



توفیق یا عدم توفیق در کاهش هزینه‌های تبدیل و در عین حال نیل به کیفیت مناسب، خواهد داشت.

انواع دیگر تعاونیها در زمینه‌ها (رشته‌های) ذیل به فعالیت و کار مشغولند:

* فرآورده‌های لبنی

* مصرف

* پس‌انداز و اعتبار

* بازاریابی و تأمین مواد اولیه مورد نیاز صنعتگران

۶- خط مشی (سیاست) دولت در رابطه با تعاونیها

۶-۱- سیاستهای دولت قبل از ۱۹۹۰:

در کشور نپال، تعاونیهای مدرن توسط دولت معرفی شده‌اند و عملاً تحت کنترل دولت می‌باشند. در این کشور از تعاونیها به عنوان نیروهای فعال و ابزارهایی جهت تکمیل و بهره‌برداری از طرحهای توسعه دولتی، استفاده می‌شود. لیکن از آنها در زمینه کاهش بوروکراسی اداری (مدیریتی) هم استفاده می‌گردد. معهداً، در خلال تجزیه و تحلیل برنامه‌های گوناگون، پاره‌ای از نقاط ضعف و اشتباهات خاص را می‌توان در معرض دید و توجه ناظرین قرار داد:

○ بی‌اعتمادی دولت نسبت به سازمانهای مردمی به ویژه در مورد سازمانهایی که توسط دولت کنترل نشده و اعتماد بسیار ضعیف به توانایی مردم در اداره سازمانهای مردمی.

○ روح و اصول تعاونیهای خودگردان بی نهایت مورد بی‌توجهی قرار گرفته‌اند.

○ تعاونیها از بیرون و با هدف تکمیل اهداف سیاست ملی اما بدون آمادگی دقیق و کامل (مطالعات کاربردی - آموزش اعضا) سازماندهی شدند و بدون توجه به نیازهای

محسوس مردم و افرادی که اعضاء بالقوه تعاونیها، قلمداد می‌شوند.

تعاونیها در طول سالیان متمادی، در معرض تجربه اقدامات گوناگون سازمانی قرار داشته‌اند. از جمله مردم‌گرایی و گرایش به اصلاحات ارضی در تعاونیهای پیش‌آهنگ، و نیز شرکت‌های تعاونی ساجا (Sajaha) و غیره. در راستای رشد و پویاتر شدن نهضت، تعداد و انواع بیشماری از تجربیات سازمانی، فرار روی این پدیده (نهضت تعاون) قرار داشته‌اند.

تعداد تعاونیها و اعضای آنها، افزایش چشمگیری داشته اما بسیاری از شرکت‌های تعاونی بر اساس مفاد آیین‌نامه‌های اجرایی خویش عمل نکرده‌اند و اعضاء آنها نسبت به حقوق و مسئولیت‌های خویش آگاه نیستند. همچنین به مقوله اصلاح ساختارهای سازمانی پایه و تأمین اقتدار و تداوم توانمندی تعاونیها از زمان تأسیس، اساساً یا توجهی نشده و یا بسیار کم توجه شده است.

برنامه‌های تعاونیهای پیش‌آهنگ (حلو دار) با این انگیزه تصور و پی‌ریزی شدید که در صورت کنترل اعضاء قادر به انجام صحیح وظایف و امور محوله، خواهند بود. بنابراین، تصمیم گرفته شد که مدیریت امور تعاونیها به کارکنان (DOC - اداره کل تعاون) و متعاقباً به کارکنان (ADB/N) محول گردد. لذا نقش اعضاء تعاونیها کم رنگ شده ولی حمایت دولتی از آنان افزایش یافت. به زعم، بسیاری از مردم تعاونیها به عنوان، نوعی سازمان (نهاده و اداره) دولتی مطرح هستند. تأمین و پرداخت حقوق به مدیران، یکی از همکاریهای بسیار مهم تعاونیها محسوب می‌شد، اما در همین حال بیگانگی اعضاء

نسبت به تعاونیهای خود را به دنبال داشت. تأمین بودجه به یک نرخ اسمی بهره و نیز شرایط تخفیف جهت بازپرداخت وام‌های دریافتی، عملاً به تعاونیها در تأمین اعتماد به نفس آنها، هیچ‌گونه کمکی نکرد. بر عکس چنین امتیازاتی، وابستگی آنان به منابع و صندوقهای خارج از چارچوب نهضت تعاون، افزایش یافت و اهمیت بسیج امکانات داخلی به همان نسبت کاهش یافت. در زمانی که، از تعاونیها تحت عنوان کانالهایی برای دریافت وام‌های ADB/N توسط افراد یا گروه‌های کشاورز، استفاده می‌شد، هزینه‌های تحمیل شده به تعاونیها به طور کامل و از طریق کمک‌های مالی پرداختی توسط بانک پوشش داده نمی‌شد و تعاونیها عملاً اعتبارات و امکانات سرمایه‌ای خویش را از دست‌رفته می‌دیدند. برنامه‌های ساجا (Sajaha) ریشه در مسائل سیاسی داشته و در واقع برنامه‌های هدایت شده بودند که از سوی آقای «پارادان پانچالس»^(۴) از روستای پانچیاتس^(۵) به عنوان رئیس سابق هیأت مدیره شرکت تعاونی، ارائه می‌گردید. به موجب برنامه‌های Sajaha، بر خلاف اراده بسیاری از مردم و پس‌اندازهای اجباری آنها، در طول اجرای برنامه‌های اصلاح زمین، عملاً به نوعی سهام‌تعاونی، تبدیل شد. به آنها همچنین اجازه اعمال مدیریت بر تعاونیهای خودشان داده نشد و علت آن هم این بود که اعضاء «کمیت‌های مدیریت»، یا «هیأت‌های مدیره» در حقیقت همان کارگزاران سیاسی سابق و اشخاصی بودند که جهت ارائه خدمات با این کمیت‌ها اسماً به کار گمارده شده بودند. در صورتی که مسئولیتها عملاً بر عهده ADB/N بود. و نتیجه آن هم بستگی به برتری افراد

غنی و توانگر داشت. عضویت اجباری و نفوذ مسائل سیاسی مسلماً به تصور تعاونگران و عام مردم خدشه وارد می‌نماید.

میزان وام پرداختی به تعاونیها در سال ۷۷ - ۱۹۷۶ که ۷۰٪ اعلام شده بود در سال ۹۲ - ۱۹۹۱ به ۱۲٪ کاهش یافت.

علی‌رغم اعلام سیاستهای ارتقاء توسعه تعاونی به عنوان اساس توسعه اجتماعی - اقتصادی با اتکا بر به جریان انداختن منابع محلی و حرف‌مهارتی و مشارکت و خلاقیت افراد بومی به دلیل افزایش اعتبارات و بودجه شرکت‌های تعاونی، سقف وام‌های اعطایی کاهش یافت.

با این حال نقش سلطه‌گراانه تعاونیها در پرداخت وام بخشهای تولیدی کوچک به کشاورزان ساکن در مناطق دور دست و پراکنده در سطح کشور مربوط به گذشته است.

اگرچه در محثت تعداد تعاونیهای Sajaha چشمگیر است اما عملکرد مطلوبی نداشتند و ۴۸٪ سود حاصله این تعاونیها تنها در سطح آمار می‌باشد و صرفاً ۲۰٪ از این تعاونیها یا عملکردی مطلوب نقش مثبتی در اقتصاد کشور ایفا نمودند.

۲-۶ سیاستهای دولت پس از

سال ۱۹۹۵

پس از تجدید نظر در سیاستهای مردمی، دیدگاه دولت شیز نسبت به تعاونیها دستخوش تحول شد و دولت نیز با اتخاذ اقداماتی به شرح ذیل در صدد احیای مجدد تعاونیها برآمد. بررسی مجمل شرایط کنونی، حل مسائل مربوط به وام‌های قبلی، رسیدگی به پس‌اندازهای اجباری، اختلاس و مطابقت دادن حسابها و انطباق تعاونیها با شرایط کنونی از جمله برنامه‌هایی بود

که در سیاست تجدید نظر اعمال شد. بنابراین دولت در برنامه هشتم برای اشاعه فرهنگ خودگردانی و نظارت مردمی در تعاونیها مطابق ایده آنها، ارزش و اصول اولیه نهضت تعاون و رهایی تعاونیها از قیود دست و پا گیر گذشته، ابراز تمایل کرد. حال انتظار آن می‌رود که شاهد رشد تعاونیها در اذهان و گسترش فعالیتهای آنان مطابق با اهداف و خواستههای داوطلبین تعاونیها باشیم.

بین سالهای ۱۹۹۱ تا ۱۹۹۳ تعداد تعاونیهای خودگردان افزایش یافت و بدون هیچ گونه برنامه ریزی از سوی دولت تعداد آنها از ۱۱۵۵ تعاونی به ۲۰۷۱ و تا سال ۱۹۹۵-۹۶ به ۳۲۰۸ تعاونی رسید.

تحت شرایط سیاسی، اقتصادی و اجرایی جدید بسیاری از گروههای غیر رسمی نیز شیوه تعاون را برگزیده و تغییر روش دادند. سایر عوامل رشدی عبارتند از:

- * فعالیت یافتن خودگردانی.
- * مصونیت یافتن تعاونیها به دلیل برتری دادن به این بخش با تصویب قانون شرکتهای تعاونی در سال ۱۹۹۲.

تعاونیهای لبنی از جمله تعاونیهای موفق نپال است. تعداد آنها از ۴ تعاونی در سال ۱۹۹۱ به ۳۷۷ تعاونی در سال ۱۹۹۵-۹۶ به ۶۶۱ تعاونی و تعداد اتحادیه‌های محلی از ۷ اتحادیه در سال ۱۹۹۳ به ۹ اتحادیه و یک اتحادیه مرکزی در سال ۱۹۹۵-۹۶ افزایش یافت.

اغلب تعاونیها لبنی کاملاً خودگردان و تا به سطحی گسترش یافته‌اند که صنعت لبنی کشور به این تعاونیها متکی می‌باشند.

در حدود ۶۵٪ از ملزومات مزارع از قبیل کود شیمیایی انواع بذر و ابزار کشاورزی از طریق شبکه‌های تعاونی توزیع می‌گردد. در

مقایسه با تعاونیهای غیر فعال، تعاونیهای روستایی شرایط متفاوتی دارند. اکثر شرکتهای جدید التاسیس در این حوزه از معافیت مالیاتی برخوردارند.

سیاستهای جدید توسعه تعاونیها بر اساس هشتمین برنامه پنجساله و با اهداف زیر به مورد اجرا درآمد:

- نهضت تعاون در نپال به عنوان نهضتی خودجوش، داوطلبانه و مردمی به ابتکار خود مردم بر پایه القاء روحیه تعاون در بین اقشار مردم با تبلیغ و آموزش اعضا همراه است.
- کمک به افراد برای تشکیل سیستم تعاونی نظام دار، استوار و کارآمد با مشارکت اکثریت افراد جامعه خصوصاً مشارکت زنان در فعالیتهای اقتصادی.
- به جریان انداختن سرمایه‌های کوچک و حرف مهارتی پراکنده در سطح روستا.
- تشویق به تأسیس سازمانهای تعاونی در سطح منطقه، ناحیه و انتخاب سیستم مدیریت مردمی و شفاف نمودن چگونگی امور تجاری در تعاونیها.
- اولویت دادن به تعاونیها در هر برنامه تکمیلی یا هر گونه فعالیت تجاری که از سوی دولت یا بخشهای غیر دولتی انجام می‌گیرد و...
- تشویق تعاونیها در تهیه ابزار تولیدی، خرید و فروش لوازم و سایر فعالیتهای مرتبط با تولیدات کشاورزی و مراکز صنعتی و افزایش مشارکت تعاونیها در برنامه‌ریزی، تبلیغات و برنامه‌های اجرایی در مراکز، استانها و شهرستانها.
- زمانی که تعاونیها به کمک سیاستهای مورد بحث حمایت شوند مطمئناً اصل جدید اتحادیه بین المللی تعاون، خودگردانی نیز رعایت خواهد شد.

تعاونیها سازمانهای کاملاً خودگردانی هستند که اعضا گردانندگان اصلی آن می‌باشند. در صورت توافق، سایر سازمانها، از جمله بخش دولتی یا افزایش سرمایه از منابع خارجی باید اصل نظارت اعضا و خودمختاری تعاونیها حفظ شود.

نتیجه‌گیری:

در تاریخچه نهضت نپال ردیای حمایت دولت در برنامه‌ها و پروژه‌های مختلف به چشم می‌خورد. اغلب این حمایتها بر تقویت موارد زیر ساختاری نظیر ساخت و تجهیز انبار، سردخانه، مراکز جمع آوری و صنایع فرآوری استوار بوده است و سایر موارد حمایتی در زمینه‌های اعتباری و نهادهای کشاورزی از طریق تعاونی به تک تک کشاورزان یا گروهی از کشاورزان ارائه گردیده است.

با توجه به وظیفه مهم آموزش و تعلیم در تعاونیها بیش از یک میلیون تعاونگر یعنی از هر هزار نفر عضو نفر از مدیران تعاونی در دوره‌های آموزشی، ایجاد حس رهبری و ارتقاء سطح مدیریتی و کارآفرینی حرفه‌ای در بین کارکنان تعاونی با رعایت اصول حقیقی تعاون شرکت نمودند. اما علی رغم تلاش قابل تحسین مراکز آموزش تعاون نپال «NGOS و INGOS» آموزش اعضا محدود بود.

در طول دوره نظارت و کنترل دولت بر تعاونیها، تصویری نیمه رسمی از ساختار اجرایی بر پایه ارتقاء سیاستهای دولت در اذهان وجود داشت که دولت ناظر و مسئول آن قلمداد می‌شد. کارگزاران دولت حامی تعاونیها و به عنوان مدیران تعاونیها عمل می‌کردند. این تصور غلط از تعاونیها مقاومت در برابر نهضت تعاون را بیشتر کرد.

سیاستهای تشویقی دولت بر افزایش کمی تعاونیها و با ایجاد انگیزه‌هایی نظیر معافیت مالیاتی، تخفیف در هزینه‌های ثبت، مسالیات واردات و غیره اغلب مردم و (تعاونگران) تعاونیها را سازمانی مطلوب سیاست سازان و سیاستمداران تلقی نمودند که مطابق اهداف و خواست آنان و مود استفاده این قشر خواهد بود. با تغییر شیوه اجباری پس انداز در تعاونیها که صرفاً آمار عضویت‌های ناخواسته افزایش می‌یافت تا حدودی موانع از سر راه نهضتی خود جوش برداشته شد.

در سال ۱۹۹۰ پس از تجدید نظر شیوه دمکراسی در نپال در نتیجه تغییر سیاستهای رسمی و قوانین دولتی، قوانین تعاونی نیز دست خوش تغییراتی شد و مؤسسات جدیدی نظیر دفتر ملی توسعه تعاونی شکل گرفت. تصویر تعاونیهای قدیمی یعنی زمان نظارت دولت بر تعاونیها و اعطاء یارانه به تعاونیها هنوز در ذهنان عمومی و مقامات دولتی باقی است. برای تغییر ذهنیت‌ها به شیوه جدید تعاونیها به عنوان شرکتهای خودجوش، نهادهای خودگردانی که گردانندگان و مشتریان اصلی آن اعضا هستند و برای رسیدن به خواست خود آن را تشکیل داده‌اند بنابراین، باید تلاش کنیم.

هفت سال پس از آزادی رسمی تعاونیها، هنوز تصویر شرکتهای تعاونی خودگردان، پویا، دارای مشارکت فعالانه اعضا آگاه به وظایف خود برای انجام وظیفه مشترک، در حد تصور و ذهنیات می‌باشند و به شکل قوانین اجرایی در نیامده‌اند. به جز مشکلات مربوط به نظارت دولت و فقدان خودمختاری در تعاونیها هنوز مشکلات گذشته خودنمایی می‌کند:

● **فقدان دانش تعاونی:** هنوز عده بی‌شماری از زنان و مردان روستایی بر این باور هستند که تعاونیها نهادهای دولتی هستند که در آنها دولت بیش از این که در توسعه و رشد تعاونیها نقشی داشته باشد، در صدد کسب حداکثر منافع خود می‌باشد.

● **فقدان مشارکت اعضا:** که ناشی از عدم آگاهی کافی از اصول و عملکرد تعاونی است اما تصور نادرست درباره مدیریت مردمی و نظارت و تجربه‌های ناخوشایند گذشته نیز بی‌تأثیر نمی‌باشد.

● **فقدان مهارت‌های مدیریتی و کارمندان متخصص:** تعاونیهای ضعیف و کوچک که توان پرداخت دستمزد قابل توجه برای کارکنان ماهر تهی و وقت را ندارند نمی‌توانند از مزیت اتحاد عمودی تعاونیها با اتحادیه محلی بهره‌مند شوند.

● کمبود منابع

اگر این موارد را به شیوه مناسب حل نمائیم هرگز به شکل مشکل مهم مطرح نخواهند شد. شرکتهای تعاونی و اتحادیه‌ها واقعاً فقیر نیستند اما به دلیل شکست آنها در بسیج منابع فقیر می‌مانند. عدم تطابق بین تعاونیهای سنتی، اتحادیه‌ها و «NCF» همچنین بین تعاونیها و مردم یا شرکای بخش خصوصی و نیز فقدان سطح هماهنگی عملکرد با ADB/N و سایر مراکز مالی و تجاری و مؤسسات مرتبط از مشکلات نامشده هستند. این مشکلات همچنان مطرح هستند و در صورتی می‌توان بر آنها غلبه کرد که بحث و تبادل نظر برای دست یافتن به ذهنیت جدید از تعاونیها به عنوان سازمانهای خودگردان، خودجوش و با سیاست مسئولیت‌پذیری کامل در اعضا را آغاز نماییم.

دستورالعمل فعلی برای تشکیل تعاونی های خودگردان به مسائلی از قبیل مشارکت اعضاء در تشکیل تعاونی جدید، توسعه سیاستهای سودمند در تعاونی به ویژه توسعه نیروی انسانی و نیز تشویق به خودیاری و پذیرش مسئولیت می‌پردازد.

■ پی نوشت‌ها:

- 1: Department of cooperatives
- 2: Teria
- 3: National co-op Development Board
- 4: Pradhan Panchas
- 5: Panchayats

● منابع و مأخذ:

- ۱- سرکز توسعه پروژه‌های کشاورزی: (APROSC) مرکز آموزش و بازسازی تعاونی‌ها زیر نظر دپارتمان تعاونی، جاولاکل، لالیته پور، کاتماندو ۱۹۹۵.
- ۲- مرکز خدمات‌رسانی توسعه طرحها (DEPROSC)، جوانا گروود: بررسی و نقد مسائل خرد سرمایه‌گذاری در نپال، کاتماندو ۱۹۹۷.
- ۳- مسائل مربوط به زمین و انتشار توسعه: چین، اس. سی ۱۹۸۵.
- ۴- کمیته مشاوره فدراسیون تعاونی نپال، برنامه سازا نپال، کاتماندو: فوریه ۱۹۹۱ (صفحه ۲۰۴۷)
- ۵- بانک «راسترای» نپال، مروری بر اعتبارات کشاورزی، کاتماندو، و دسامبر ۱۹۹۴.
- ۶- تعاونیهای روستایی در نپال: تعاونیهای روستایی آسیا، جاپالانا، پانده و هکاران: نیودلهی ۱۹۹۴ (صفحات ۲۱۱-۲۱۹)
- ۷- سازمان بهره‌وری آسیا، تعاونیهای کشاورزی آسیا و اقیانوسیه، توکیو ۱۹۹۶. مقاله با سوشرست صفحات (۱۸۶-۱۹۶).
- ۸- سازمان توسعه حوامع و جنوب، قوانین اصلاحات اراضی نپال، گزارشی از سبناز کاتماندو آوریل ۱۹۹۱.
- ۹- بانک جهانی نپال: فقر و درآمد، واشنگتن دی. سی ۱۹۹۱.
- ۱۰- عمل شکست تعاونیها: سبتارما، پرتی و رگمی، بررسی در اصول پایه تعاونیها.